

مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال چهل و پنجم، شماره پیاپی ۹۰،
بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۷۶-۵۳

بررسی و نقد انحصارگرایی مسیحی

دکتر سید مرتضی حسینی شاهرودی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: shahrudi@ferdowsium.ac.ir

چکیده

انحصارگرایی از جمله دعای متکلمان و پیروان ادیان است که از گذشته دور مورد توجه و تأکید متکلمان مسیحی قرار داشته و اینک با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده است. در این نوشتار صرفاً دلایل برون دینی آنان مانند ارجاع ادیان دیگر به مسیحیت، رستاخیز مسیح و مانند آن از منابع اصلی ارائه و نقد و بررسی شده است. مهم‌ترین نقدهایی نیز که وارد شده است همان است که خود مسیحیان و حتی متکلمان آن‌ها مطرح کرده‌اند مانند فقدان دلیل منطقی، ناسازگاری با مطالعات تطبیقی ادیان، کاستی‌ها و عملکرد تاریخی مسیحیت و مانند آن مطرح شده است.

کلید واژه‌ها: انحصارگرایی، فردگرایی، ویژه‌گرایی، خاص‌گرایی.

مقدمه

از گذشته دور دیدگاه انحصارگرایی که گاهی خاص‌گرایی^۱ نیز بدان گفته می‌شود، دیدگاه غالب کلیسا بود. این دیدگاه که تقریباً تمام تاریخ کلیسا را فرا گرفته بود تا عصر روشنگری^۲ ادامه یافت. نمایندگان مشهور این دیدگاه در دوران معاصر کسانی چون کارل بارث^۳، امیل برورنر^۴، هندریک کریمر^۵، د. آ. کارسون^۶، ویلیام لین کریگ^۷ و داگلاس گیوت^۸ هستند.

نکته کلیدی این دیدگاه عبارت است از درک وحی و الهامات و تجلیات عام و خاص خدا. توضیح این‌که خدا از طریق آفرینش (وحی عام)^۹ تجلی کرده است ولی انسان با مخالفت آزادانه با این وحی^{۱۰} بدو پاسخ داد و بنابراین در برابر خدای مقدس^{۱۱} گناه کار شد. ولی خدا از طریق کلمه و رفتار خود از در مسالمت وارد شد و رحمت خود را آشکار ساخت و آن را در وجود عیسی مسیح به کمال رساند. در این صورت، شخص مسیح، وحی فی‌نفسه (بالذات)^{۱۲}، بی‌همتا، غایی، تعیین‌کننده و هنجارین^{۱۳} خدا برای انسان است یعنی او وحی خاص^{۱۴} است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در فضای این بحث قرار دارد، نجات‌بخشی است. با توجه به این‌که به عقیده مسیحیت، انسان ذاتاً گناه‌کار است یا به گناه آلوده شده است، این پرسش مطرح می‌شود که این انسان گناه‌کار از چه راهی و با کدامین ابزار می‌تواند از پیامدهای گناهان خویش رها شود؟ با توجه به عقیده مسیحیان به جایگاه حضرت مسیح (ع) که او را تا مرتبه فرزند الوهی بلکه الوهیت فرا برده‌اند، از دیدگاه آنان نجات‌بخشی آن حضرت، تردیدناپذیر است، از این رو، می‌توان پرسید، اگر مسیح نجات‌بخش است آیا تنها او این ویژگی را دارد یا در نجات‌بخشی تنها نیست؟ (Shenk, 32).

1. particularism
2. Enlightenment
3. Karl Barth
4. Emil Brunner
5. Hendrick Kraemer
6. D.A. Carson
7. William Lane Craig
8. R. Douglas Geivett
9. general revelation
10. revelation
11. holy God
12. self-revelation
13. normative
14. special revelation

انحصارگرایان مسیحی بر این باورند که عیسی مسیح تنها معیاری است که همه ادیان باید به وسیله آن ادراک و ارزیابی شوند و رستگاری تنها در دسترس مسیحیان است و مردم بدون آن گمراه هستند.

در اولین سده‌های کلیسا، شرایط و لوازم یک مسیحی برای رستگاری بسیار ساده و اندک بود. پیام مسیح چنان ساده بود که بنا بر اعمال رسولان^۱ به نگهبان‌های زندان نیز داده می‌شد: پشیمان شوید و به مسیح ایمان آورید. ولی همان‌گونه که عقاید متفاوت درباره مسیح مطرح می‌شد، انجمن‌های جهانی اسقف‌ها^۲ که یکی از نهادهای کلیسا است نیز به تعیین آنچه که برای ایمان به مسیح لازم بود، پرداخت، این شرایط بسی متعدد بودند به گونه‌ای که حتی همه مسیحیان نیز بدان دسترسی نداشتند.

در چهارده سده میان نوشتن عهد جدید و اصلاحات پروتستان^۳، آموزه‌های مسیحیت^۴ بر ترکیبی از کتاب مقدس^۵، عقاید^۶، برخی شوراها^۷، نوشته‌های پدران مقدس کلیسا^۸ و تعالیم رهبران کلیسا^۹ استوار بود. تقریباً اجماع عمومی این دسته از اولیای امور این بود که رستگاری نه تنها و منحصرأ از طریق ایمان به مسیح تحقق می‌یابد بلکه از طریق عضویت در کلیسا حاصل می‌شود. چنین تعلیم داده شده بود که رستگاری تنها در دسترس اعضای جامعه مسیحی است که پیرو آموزه اصلی کتاب مقدس یعنی عقاید و شورا هستند و در مراسم دینی شرکت می‌کنند. بنابراین، عقیده بر این بود که کسانی که خود را مسیحی می‌دانستند مانند آریوس^{۱۰} و پلاگیوس^{۱۱} و تنها به کلیسا بی‌توجه بودند و به همین سبب از سوی کلیسا و مراسم دینی آن طرد شده بودند نیز از دستیابی به رستگاری استثناء شده بودند.

با نهضت اصلاحات پروتستان، بسیاری از مسیحیان اعتقاد یافتند که رستگاری نه تنها

1. Acts
2. ecumenical councils of bishops
3. Protestant Reformation
4. Christian doctrine
5. Scriptures
6. creeds
7. certain councils
8. writings of respected church fathers
9. teachings of church leaders
10. Arius
11. Pelagius

بیرون از حوزه کلیسای کاتولیک ممکن است بلکه بسا محتمل تر هم باشد. ولی هنوز عقیده عموم بر این بود که کسی می‌تواند به آسمان امید داشته باشد که مسیحی باشد و به برخی از عقاید اصلی وفادار باشد.

به گفته کالوین شنک^۱، مسیح برای کمک و شراکت در علوم دینی نیامده است. وحی‌ای را که وی آورد، معیار نهایی است. از آن‌جا که رستگاری و حقیقت تنها در مسیح هست، بسیاری از راه‌هایی که دیگر ادیان ارائه کرده‌اند به خوبی بیانگر راه خدا نیستند و به حقیقت و حیات نمی‌انجامند، بنابراین، مسیح، تنها بزرگ‌ترین خداوندگار در میان خداوندگاران^۲ نیست بلکه خداوندگاری جز او وجود ندارد (Shenk, 35).

این عقیده در دوره جدید دوام نیاورد و به گفته آکولم و فیلیپس دیدگاه مسیحیت سنتی درباره انحصارگرایی در عصر روشنگری به چالش کشیده شد (Okholm, 8).

امروزه و در عصر رواج کثرت‌گرایی دینی و آگاهی رو به افزایش نسبت به دیگر ادیان، تعداد قابل توجهی از مسیحیان خواه کاتولیک خواه پروتستان بر این عقیده‌اند که انسان برای دستیابی به رستگاری لازم نیست به مسیح اعتقاد داشته باشد اگرچه باید عقاید انحصارگرایانه خود را به‌طور آزمایشی نگه دارد. این نشان‌دهنده کاسته شدن از اعتبار این‌گونه دعاوی است که نگه‌داشت آن‌ها را مشروط به پژوهش‌های بیش‌تر درباره صدق و نجات و اعتبار این‌گونه دعاوی کرده است.

معنای چنین عقاید آزمایشی این است که در مواجهه با دعاوی متعارض دینی حل‌ناپذیر، باید بپذیرد که ممکن است برخی از این عقاید متعارض جایگزین درست عقاید پیشین باشد؛ دیدگاهی که به گمان کسی درست یا نادرست است، این‌گونه نباشد (McKim, 154-55)؛ آنان که با مسیحیت موافق نیستند نیز مردمانی خردمند هستند (McKim, 178) و به این دلیل که معرفت ما هرگز یقینی نیست، باید به تعهدات مربوط به ایمان با معرفتی متواضعانه مبنی بر این‌که ممکن است آن‌ها نادرست باشند، اعتقاد داشت (Runzo, 236) و تنها اعتقاد موقتی و نه قطعی، موجه است و عقاید موقتی پذیرفته شده باید در مباحثات، ارزشی برابر با عقاید قطعی و دعاوی متعارض داشته باشند (Gutting, 108).

این‌گونه دیدگاه‌ها که اینک طرفداران بسیاری دارد، نشان می‌دهد که دفاع از انحصارگرایی

1. Calvin Shenk
2. lords

در عصر حاضر، به آسانی گذشته نیست. امروزه تعارض میان دعاوی صدق و نجات و چشم‌اندازهای انحصارگرایانه دینی کاملاً برجسته و در عین حال، نقدپذیر تلقی شده است به‌گونه‌ای که حتی توجیه آن‌ها نیز امری متعارف به نظر نمی‌رسد.

به گفته آلتون حتی در مواردی که روش‌های مورد پذیرش عموم برای پایان دادن به مباحثات وجود دارد، به دلیل فقدان مبانی و روش‌های معتبر برای ختم مباحثات معرفت‌شناختی اساسی مربوط به دعاوی صدق ادیان، تاکید بر درستی و برتری یک دیدگاه بر دیگران، معلوم نیست خردپذیر باشد (Alston, 5, 442-443) و چون هیچ مبنا بی‌طرفی برای تایید تعارضات معرفت‌شناختی دینی وجود ندارد، انحصارگرا موجه است که دیدگاه دینی خود را بر دیدگاه‌های رقیب برتر بداند (Alston, 5, 444) و ناتوانی از تشخیص مبانی مشترک، می‌تواند دلیلی بر بقاء بر انحصارگرایی باشد. این سخن به معنی نقدپذیری عقاید انحصارگرایانه و کاهش اعتبار آن است. البته طرفداران دیدگاه‌هایی که سازگاری درونی دارند می‌توانند حتی به صدق عقاید خویش باور داشته باشند (cf. Alston, 5, 443-446).

هر چند کواپن^۱ چون آلتون در مواجهه با تعارضات ادیان به انحصارگرا حق می‌دهد که دعاوی دینی خود را صادق بداند، ولی این را تنها روش قابل دسترس نمی‌داند (Quinn, 235-246). مبنای وی تفاوتی است که میان فهم کانتی و پیش‌کانتی^۲ وجود دارد. فهم پیش‌کانتی از اعتقاد دینی با این باور همراه است که ما به صدق، آن‌گونه که در واقع هست، دست یافته‌ایم و یا دست‌کم، ممکن است بدان دست یابیم. فهم کانتی از اعتقاد دینی این است اگرچه واقعیتی فراطبیعی وجود دارد ولی فهم ما از آن به شبکه‌هایی از عقاید فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی وابسته و درهم‌تنیده است که ادراک ما از این واقعیت فراطبیعی از طریق آن تحقق می‌یابد (Quinn, 241-242).

تعریف انحصارگرایی

انحصارگرایی تعابیر و تعاریف متعددی دارد که نمونه‌هایی از آن از این قرار است:

- ۱- ادعای انحصار صدق یک دین و تعیین مصداق آن.
- ۲- ادعای انحصار صدق یک دین یا نزدیک‌تر بودن یک دین به صدق.

1. Philip Quinn

2. pre-Kantian and a Kantian understanding

۳- ادعای انحصار صدق یک دین یا یک مجموعه در درون یک نظام اعتقادی دینی یا نزدیک‌تر بودن آن‌ها به حقیقت.

۴- ادعای انحصار نجات و رستگاری در مسیح و این که او، راه، حقیقت و زندگی است. این تعبیر را فردگرایی^۱ نیز می‌گویند. بر این اساس، کسی که به خداوندگاری مسیح ایمان نداشته باشد برای همیشه گم و گمراه خواهد بود؛ مسیحیت تنها دین است و دیگر ادیان همه خطا هستند و هر عنصری از حقیقت در ادیان دیگر حيله‌ای^۲ برای پنهان کردن آثار شیطانی^۳ آن‌هاست.

۵- این ادعا که تنها افراد خاصی اهل نجات هستند.

۶- این ادعا که نجات منحصر به اهل ایمان است. به گفته شیفرد^۴ از طریق وحی عام، نجات برای همه قابل دسترسی است ولی هیچ‌کس خودش بدان دست نمی‌یابد (278) و به عقیده تالبوت^۵ دوزخ در بدترین وضعیت، برزخی^۶ (تطهیر کننده‌ای) است که انسان‌ها با اختیار خود با ایمان به مسیح آن را پشت سر می‌گذارند و نجات می‌یابند (Talbot, 1990, 19-42; Idem, 1990, 227-245; Lane Craig, 1991, 297-308; Talbot, 1992, 495-510; Lane Craig, 1993, 497-518).

دیدگاه‌های متعارض درباره دعاوی انحصارگرایانه دینی

با ورود طرح نهاده‌ها و پیش‌نهاده‌های معرفتی در بحث اعتبار صدق دعاوی انحصارگرایانه، تعارض‌های مربوط به آن از جنبه صرفاً دینی و کلامی فراتر رفته و ساحت‌های فلسفی یافته است. به عنوان نمونه، دعاوی آلتون و کواین، مدل پیش‌کانتی از فهم عقاید دینی را رد می‌کند، زیرا به اعتقاد آن‌ها انحصارگرایی دینی در برابر دعاوی متعارض به هنگام فقدان مبانی عینی برای تعیین صدق دیدگاه‌ها، موجه است. دلیلی ندارد که انحصارگرا عقیده خود را رها کند. اما کواین انکار نمی‌کند که این دیدگاه پیش‌کانتی قابل تأیید باشد و بنابراین، انکار نمی‌کند کار کسی که از پیشنهاد آلتون پیروی می‌کند و خود را موجه می‌داند، خردپذیر باشد.

1. Particularism
2. subterfuges
3. demonic effects
4. Francis Schaeffer
5. Thomas Talbot
6. purgatory

با این حال کواپن بر این باور است که نباید پذیرفت که هیچ یک از دیدگاه‌های رقیب به شکلی که خود را نشان می‌دهد، صادق است.

بر این اساس، به عقیده وی دیدگاه کانتی نسبت به عقاید دینی به اندازه دیدگاه پیش‌کانتی توجیه‌پذیر است. به گفته وی، خردپذیر است که انحصارگرا به منظور جستجوی فهمی شمول‌گرایانه‌تر یا کثرت‌گرایانه‌تر از عقاید خود با دعاوی صدق متعارض روبه‌رو شود تا به منظور انطباق بیشتر با این نوع از فهم، عقاید خود را اصلاح نماید (Quinn, 242). این دیدگاه کواپن درباره تعارضات دینی با اقبال عمومی حوزه‌های انحصارگرا روبه‌رو شده است. به عنوان نمونه به مذاکرات رو به پیشرفت مسیحیان درباره آفرینش جهان بنگرید.

به نظر برخی بر اساس آموزه‌های انجیل خدا جهان را حدود ده هزار سال پیش در شش شبانه‌روز آفرید. به نظر برخی دیگر، هر روز نسبت به خدا ده هزار سال است. این بدان معنی است که ممکن است عقیده داشته باشیم که چارچوب زمانی (روز) برای آفرینش، می‌تواند میلیون‌ها یا میلیاردها سال باشد.

به باور برخی دیگر آفرینش مستقیم الهی در آغاز به صورت مه‌بانگ بوده است. اخیراً برخی از مسیحیان دیدگاهی مانند کانت را پذیرفته‌اند. بر این اساس حتی از طریق کتاب مقدس نیز ممکن است نتوانیم به این که خدا دقیقاً چگونه با فرایند آفرینش درگیر بود، دست یابیم. آنان آنچه را که برای مسیحیت اساسی است، اصلاح می‌کنند و به جای تبیین هر یک از احتمالات خاص درباره آفرینش، دیدگاه عمومی‌تری را که با رویکردهای متفاوت سازگار است، یعنی انتساب آفرینش به خدا می‌پذیرند و به تعبیر کواپن آن‌ها هسته کلامی خود را به گونه‌ای لاغر می‌سازند که چشم‌اندازهای متعارض را با هم آشتی دهد.

ولی همگان می‌دانند که لاغر ساختن کلام و فربه ساختن پدیدارشناسی تنها می‌تواند تا اندازه‌ای از بحران معرفت‌شناختی که از طریق تعارضات ادیان پدید آمده است، بکاهد. حتی اگر بپذیریم که برای انحصارگرا کاملاً خردپذیر است و حتی ترجیح دارد که دعاوی کلامی خود را لاغر سازد تا هسته حقایق و دعاوی صدق خود را که باید به عنوان طرفدار یک دیدگاه کلامی مورد بحث داشته باشد، به حداقل برساند، هنوز هم برای این که یک انحصارگرا باشد حتی اگر یک انحصارگرای کاملاً کانتی باشد، باید عقیده داشته باشد که یکی از دیدگاه‌های دینی نسبت به دیگر دیدگاه‌ها برتری دارد و از دیگر دیدگاه‌های رقیب، به صدق نزدیک‌تر است.

بر این اساس، در حالی که لاغر ساختن دعاوی کلامی به منظور کاستن و به حداقل رساندن تعارضات دینی یک انتخاب خردپذیر باشد ولی هیچ کس نمی‌گوید که این تنها راه انحصارگرا است. یک فرد یا باید از انحصارگرایی خود دست بدارد یا یکی دیگر از این دو دیدگاه را بپذیرد. یا بپذیرد که عقیده مورد بحث صادق نیست، یا آن را به طور آزمایشی بپذیرد و یا بدان چه عقیده دارد، پایبند باشد.

از طرفی آنان که به انحصارگرایی دینی تعلق خاطر دارند یا واقعاً انحصارگرا هستند، ادعا می‌کنند که تنها آنان که با معیارهایی که چشم‌اندازهای دینی ارائه کرده‌اند، منطبق باشند، می‌توانند به نجات دست یابند.

به گفته برخی، اگر چه پیروان چشم‌اندازهای دینی دیگر در برخی از موارد به صدق دست می‌یابند ولی با توجه به مسئله رستگاری و سرنوشت ابدی انسان‌ها باید تنها یک راه را بشناسند، بپذیرند و پیروی کنند؛ و به طور خاص تر، دستیابی به معیارهای رستگاری مورد نظر یک چشم‌انداز دینی هم به لحاظ معرفت‌شناختی ضرورت دارد به این معنی که کسانی که در پی رستگاری هستند باید نسبت به شرایط رستگاری آگاه باشند و هم به لحاظ هستی‌شناختی ضرورت دارد به این معنی که در واقع و عین، به این شرایط باید دست یافت (Peterson, Hasker, Reichenbach, and Basinger, 270).

جمع میان احترام متقابل و انحصارگرایی

با توجه به این که حل معمای دعاوی صدق و نجات دور از انتظار است، بسیاری به جای پرداختن به مسئله صدق و نجات، به چگونگی رفتار با مخالفان اعتقادی پرداخته‌اند و مخالفت با احترام را نیز ممکن دانسته‌اند. تسامح به معنی درستی همه دیدگاه‌ها نیست؛ حتی کثرت‌گرا هم دیدگاه مخالف خود را صادق نمی‌داند. تسامح و مدارا به این است که با تفکرات نادرست دیگران درگیر نشویم و به دیگران حق دهیم هرگونه که خود می‌خواهند بیندیشند و هر چه را درست می‌دانند انتخاب کنند و بپذیرند حتی اگر این اندیشه و انتخاب درباره خدا باشد.

ولی پرسش اساسی این است که در فضای فرهنگی که تعصب^۱ دچار سوء فهم و سوء تعبیر شده، چگونه می‌توان با گذشت و احترام پاسخ کسانی را داد که از انحصارگرایی مسیحیت صدمه‌ها دیده‌اند؟ (Samples, 39)

1. intolerance

برخی از پاسخ‌ها از این قرار است:

- ۱- تاکید بر این که انجیل همه مردم را به دریافت هدیه نجات که به وسیله قربانی شدن مسیح امکان‌پذیر شده است، دعوت می‌کند.
- ۲- جهان را که در آن همه ادیان، هم‌زمان صادق باشند، تیمارستان کیهانی^۱ بدانیم.
- ۳- انحصارگرایی را گریزناپذیر بدانیم به گونه‌ای که مانند پلاتینگا حتی کثرت‌گرایی را نیز نوعی انحصارگرایی بدانیم.

۴- انحصارگرایی مسیحیت را ناشی از تمایلات تنگ‌نظرانه مسیحیان بدانیم ولی به گونه‌ای که در عین حال ریشه در دعاوی انحصارگرایانه مسیح داشته باشد^۲ که مورد تایید کسانی است که با چشمان خودشان زندگی، مرگ و رستاخیز او را دیده‌اند.^۳ برخی با توجه به همین پیشنهاد میان مسیح و مسیحیت تفاوت نهاده‌اند و از این طریق از شدت انحصارگرایی کاسته‌اند و در عین حال زمینه بقا و دوام آن را به گونه‌ای قابل‌پذیرش‌تر فراهم ساخته‌اند. در این صورت اگرچه، مسیح را معیار خاص حقیقت می‌دانند ولی مسیحیت را با مسیح برابر نمی‌دانند. به عبارت دیگر، ایمان به خدا را شرط نجات و رستگاری می‌دانند نه ایمان به دین و پایبندی به آن را. این معیار بسا عملی، همان چیزی است که از اعتمادگرایی ضعیف^۴ پست‌مدرنیته مسیحی که اغلب در آن فرو می‌افتند، جلوگیری می‌کند.

به گفته شنک،^۵ ادعا نمی‌کنیم که به همه جزئیات آگاهیم ولی در چنین راهی حرکت می‌کنیم. مایلیم دیگران به منظور فهم دقیق حقیقت، به ما ملحق شوند ... مسیح همان حقیقت است ولی معنای آن این نیست که هر چه مسیحیان ادعا کرده است حق است. مسیحیان نزدیک‌بین بوده‌اند و حقیقت را محدود کرده‌اند و با قدرت درآمیخته‌اند و ستم‌پیشه^۶ شده‌اند. از این که برخی از چیزهایی که مسیحیان به عنوان حقیقت ارائه کرده‌اند، تحریف شده^۷ می‌باشد، عمیقاً متأسفیم. ولی آگاهی محدود یا تحریف^۸ نباید سبب شود در دام نسبت‌گرایی فرو افتیم

1. cosmic madhouse

2. cf. Mt 11:27; Jn 14:1-6

3. cf. Jn 3:36; Acts 4:12; 1 Tim 2:5; 1 Jn 5:11-12

4. hapless fideism

5. Shenk

6. oppressive

7. distorted

8. distortion

یا تحریفی پدید آوریم که آن را نیز که معتبر است، از میان بردارد یا از ارزش آن بکاهد (Shenk, 210).

به گمان نویسنده این به معنی تبریته مسیحیت از تحریف و التقاط و گناه کژی را به گردن مفسران انداختن است و شاید مقصود آن این است که به دیگران توصیه کند که برای بازگشتن به حقیقت باید به مسیحیت بازگشت و از آن تفسیری نو ارائه کرد و تفاسیر پیشینیان را به کنار نهاد و حال آن که این اول دعوا است و هیچ دلیلی بر درستی آن وجود ندارد.

دلایل انحصارگرایی و نقد آن

۱- ارجاع ادیان دیگر به مسیحیت

بی‌همتای مسیحیت دلالت بر انحصار نجات به پیروان او دارد. این رویکرد مسیحیت به ادیان دیگر بر آموزه آفرینش و نجات^۱ استوار است. از آن جا که خدا جهان را آفریده است انتظار داریم نشانه‌های او را در سرتاسر آفرینش ببینیم و از آن جا که خدا جهان را از طریق مسیح رها ساخته است، انتظار داریم برای رستگاری که انجیل مسیحی بدان وعده داده است، به مسیح بنگریم (McGrath, 1993, 116). در حالی که ادیان دیگر ممکن است معرفت به خدا را از وحی عام، یعنی طبیعت یا وجدان^۲ به دست آورده باشند، رستگاری تنها از طریق وحی خاص که تنها در مسیح وجود داشته است، به دست می‌آید.

مهم‌ترین اشکال این است که چگونگی رستگاری انسان پیش از مسیح و چگونگی خداشناسی وی در این دیدگاه پاسخی ندارد.

۲- زندگی دوباره مسیح پس از مرگ دلیل بر صدق انحصاری آموزه‌های او

برخی مانند جان کالوین^۳ میان شناخت خدای خالق^۴، شناختی عمومی که برای همگان از جمله مسیحیان قابل دسترس است و شناخت خدای فدیه دهنده^۵ یعنی شناخت ویژه مسیحیان از خدا، تفاوت جدی می‌گذارد. به گفته لوسین کانوننت، همه انسان‌ها از طریق وحی عام خدا در طبیعت، او را می‌شناسند ولی این شناخت نمی‌تواند آن‌ها را نجات دهد. از آن جا

1. redemption

2. conscience

3. John Calvin

4. knowledge of God the creator

5. knowledge of God the redeemer

که هیچ کس جز مسیح پس از مرگ زنده نشده و خدا در هیچ کس جز وی تجسم نیافته است، تنها او مایه نجات است.

اشکال این ادعا این است که دلیلی بر این که جز مسیح هیچ انسانی پس از مرگ زنده نشده، وجود ندارد بلکه خلاف آن در ادیان دیگر دلیل دارد. به علاوه، زنده شدن پس از مرگ، هیچ دلالتی بر نجات بخشی ندارد. از این گذشته این که مسیح پس از مرگ زنده شده باشد، به شدت مورد تردید است و دلیل معتبری بر درستی آن ارائه نشده است.

۳- اصل امتناع تناقض

انحصارگرایی مسیحی بر اصل عدم تناقض استوار است و از آنجا که میان گزاره‌های دینی مربوط به مسائل اساسی، تناقض وجود دارد، همه آن گزاره‌ها و در نتیجه همه آن ادیان و مذاهب، صادق نیستند و از آنجا که رفع دو نقیض هم مانند اجتماع آن‌ها، محال است، پس همه آن‌ها نیز کاذب نیستند، پس یکی از آن‌ها صادق است.

اولاً ممکن است میان دعاوی ادیان یا بسیاری از آن‌ها تضاد باشد نه تناقض

ثانیاً ممکن است دعاوی یادشده تضاد هم نداشته باشند بلکه تغایر داشته باشند. به گفته اسمیت^۱ در همه امور نهایی، صدق به صورت یا این یا آن^۲ مطرح نیست بلکه به صورت هم این و هم آن^۳ نیز مطرح است (Smith, 17). پاول نیتر نیز با وام گرفتن از اصطلاحات جان رابینسون^۴ درباره دو منظر^۵ بودن ماهیت صدق و مقایسه مسیحیت و هندویسم می‌گوید، غایت غایت دینی هم متشخص و انسان‌وار^۶ است (مسیحیت) هم نامتشخص و شی‌وار^۷ (هندویسم). از همه این‌ها گذشته، بر فرض که میان دعاوی بنیادین ادیان تناقض یا تضاد وجود داشته باشد، این دلیلی بر صدق انحصارگرایی مسیحی نیست. بسا جایگزین‌های آن از شواهد صدق بیش‌تری برخوردار باشند.

۴- درستی منطقی انحصارگرایی

شکی نیست که خواه انحصارگرا باشیم، خواه شمول‌گرا یا کثرت‌گرا، در هر صورت، عقاید

1. Wilfred Cantwell Smith
2. either-or
3. both-and
4. John A.T. Robinson
5. two-eyed
6. personal
7. nonpersonal

و دعاوی انحصارگرا صادق و نجات‌بخش است، زیرا اگر کسی انحصارگرا باشد، نه تنها به عقیده خودش، دعاوی او صادق و نجات‌بخش است بلکه تنها دعاوی او چنین است و اگر کثرت‌گرا باشد، عقاید و دعاوی انحصارگرایانه نیز به عنوان بخشی از دعاوی صادق و نجات‌بخش تلقی خواهد شد. هم‌چنین است اگر شمول‌گرا باشد. در این صورت نیز عقاید و دعاوی انحصارگرا به عنوان محور و اصل شمول‌گرایی صادق و نجات‌بخش خواهد بود. پس می‌توان گفت: اگر الف، پس ب، زیرا مقتضای صدق و نجات‌بخشی انحصارگرایی در فرض‌های سه‌گانه این است که اگر کسی ایمان و باور انحصارگرایی داشته باشد، صادق یا اهل نجات است و چون میان گزاره‌های دینی در ادیان مختلف، تناقض وجود دارد، پس صدق و نجات‌بخشی یکی از آن‌ها به کذب و گمراه‌کنندگی دیگر گزاره‌ها می‌انجامد.

ولی دلیل یادشده به لحاظ منطقی درست نیست. گزاره شرطی «اگر الف پس ب» ضرورتاً صدق سالبه شرطی «اگر نه الف پس نه ب» را تضمین نمی‌کند. علاوه بر این، اگر به دلایل فلسفی مربوط به انحصارگرایی دقیق‌تر بنگریم معلوم می‌شود تمسک انحصارگرا به منطق، بر سر خودش ویران شده است.

البته اگر افراد گروه الف مساوی^۱ با افراد گروه ب باشد و گزاره شرطی «اگر الف پس ب» صادق باشد، در این صورت، «اگر نه الف پس نه ب» نیز صادق خواهد بود. در واقع، اگر همه کسانی که به خداوندگاری مسیح ایمان آورده‌اند، گروه الف را تشکیل دهند و همه کسانی که به رستگاری رسیده‌اند، گروه ب را تشکیل دهند، در این صورت کاملاً منطقی است که بگوییم اگر کسی به خداوندگاری مسیح ایمان نیاورده باشد، رستگار نخواهد شد (Nash, 1994, 145). ولی اثبات چنین تساوی با عقل ممکن نیست و نقل صحیح درون دینی مسیحی نیز وجود ندارد. در واقع، این مصادره به مطلوب است. علاوه بر این که مصداق الف می‌تواند غیر مسیحیت باشد.

۵- سودمندی انحصارگرایی در هر صورت

این دلیل از جهت شکل و قالب مانند دلیل پیش‌گفته و از جهت مقصد و نتیجه با آن متفاوت است. اگر کثرت‌گرایی یا شمول‌گرایی درست باشند، انحصارگرایی کمترین زیان را دارد. ولی اگر انحصارگرایی درست باشد، اعتقاد به کثرت‌گرایی و شمول‌گرایی هم پرمخاطره

1. identical

است هم بسی اغواگر، زیرا در حالی که آن‌ها از رستگاری دورند، گمان می‌کنند به آن رسیده‌اند.

این دیدگاه بر دلیل‌گرایی گیوت و فیلیپس^۱ استوار است (Okholm, 214). ولی اشکال آن این است که دلیل آنان برای اثبات فردگرایی جنبه درون مسیحی دارد که فاقد وثاقت عقلی و تاریخی است.

۶- انحصارگرایی از مقتضیات دین است

دعای انحصارگرایی، اجزاء ضروری تشکیل دهنده خود دین است و معتقدان به دین عقاید خود را صادق می‌دانند. اگر یک گزاره دینی صادق باشد، ممکن نیست نقیض آن نیز صادق باشد و اگر یک سنت انسانی ادعا کند زمینه کلی و عمومی صدق را ارائه کرده است هر چیزی که نقیض آن صدق کلی و عام باشد، کاذب خواهد بود (Panikkar, xiv). علاوه بر این، اگر به گفته پست‌مدرنیست‌ها و کثرت‌گرایان صدق مربوط به عمل است، ادعای انحصارگرا هم از این جهت و هم با توجه گواهی مسیحی هم مقبولیت تجربی خواهد داشت و هم مقبولیت متنی.

ولی این هم تمام نیست، زیرا کثرت‌گرایان می‌توانند تفاوت میان ادیان را بپذیرند ولی دلیلی ندارد که این تفاوت‌ها نشانه انحصارگرایی باشد. اگر این روش در مورد تفاوت‌های ثانوی آموزه‌ای و ساختارهای فرهنگی درست باشد، ضرورت نفی فهم سنتی درباره مسیح به عنوان خداوندگار و تنها راه رستگاری کاملاً خردناپذیر و غیرقابل دفاع خواهد بود. از این گذشته اثبات این‌گونه دعای مستلزم دلایل جزئی و نقلی موثق است که در متن مسیحی وجود ندارد و ارتباط صدق با عمل به‌گونه‌ای که اثبات‌کنندگی داشته باشد، نه مدلل است و نه سودمند.

۷- بقاء بر انحصارگرایی و نفی دعای صدق

اگر دلیلی بر نفی انحصارگرایی وجود داشته باشد، ترک عقاید خود خردپذیر است (cf. Alston, 442-443). ولی چنین دلیلی بر ترک دعای صدق مربوط به تنوع ادیان وجود ندارد (ibid, 443-446). اگر چه در مواجهه با تنوع ادیان، ممکن است انحصارگرا در نگاه‌داشت عقاید خود و نیز صادق دانستن آن‌ها موجه باشد ولی این تنها کار موجه نیست (cf. Quinn,)

1. Geivett and Phillips' Evidential Particularist View

235-246). مبنای آن هم تفاوت در فهم پیش‌کانتی^۱ و فهم کانتی از عقاید دینی است (cf. Quinn, 241-242).

ولی ادعای آلستون و کواین مبنی تشویق انحصارگرا به باقی ماندن بر عقیده در مواجهه با تعارضات دینی، اساساً بیرون از الگوی فهم عقاید دینی پیش‌کانتی است. در فقدان هر گونه مبنای واقعی برای تعیین این‌که کدام یک از چشم‌اندازهای دینی درست است، دلیلی بر این رفتار انحصارگرا وجود ندارد.

کواین رویکرد پیش‌کانتی و نگه‌داشت انحصارگرایی را موجه می‌داند ولی می‌گوید نباید گمان کرد که هر یک از این عقاید متعارض به صورتی که اینک نمودار شده‌اند، صادق است. به باور وی دو رویکرد یادشده نسبت به عقاید دینی به یک اندازه موجه است (ibid., 242).

نقد و بررسی انحصارگرایی

۱- فقدان دلیل منطقی بر انحصارگرایی

یک اظهار یا گزاره تنها در صورت صدق عینی دارد که با واقعیت برابر باشد و واقعیت دقیقاً همان‌گونه باشد که آن گزاره به ما خبر می‌دهد. برای اثبات صدق عینی یک گزاره باید دلیلی معتبر ارائه کرد که آن گزاره نتیجه آن باشد. از آن‌جا که گزاره‌ای که به لحاظ منطقی متناقض است، ضرورتاً کاذب است و بنابراین، ممکن نیست نتیجه دلیل معتبر باشد و از آن‌جا که گزاره، نتیجه مقدماتی است که واقعاً صادق باشند می‌توان این مفاهیم را تعمیم داد و گفت عقیده‌ای صادق است که به لحاظ منطقی سازوار باشد و با همه واقعیت‌هایی که در تجربه خویش یافته‌ایم، سازگار باشد و چنین چیزی در انحصارگرایی مسیحی وجود ندارد.

۲- ناتوانی انحصارگرایی از نفی دیدگاه‌های جایگزین

از آن‌جا که در میان مجموعه دعاوی ناسازگار، ممکن نیست بیش از یک مجموعه، صادق باشد، تنها کسی حق دارد عقیده خود را درست بداند که دلایل نقدناپذیری بر نادرستی دیدگاه‌های معارض خود داشته باشد. از آن‌جا که انحصارگرایی مسیحی چنین دلایلی ندارد، نمی‌تواند درستی عقیده خود را به اثبات برساند یا به گفته شلنبرگ، در مورد فقدان دلایل نقدناپذیر هیچ کس نباید گمان برد که دعاوی دیگران باطل است (Schellenberg, 213) و به

1. pre-Kantian

گفته مک‌گرات، «چگونه مسیحیت می‌تواند ادعا کند که حقیقت و صدق منحصرأ مربوط به آن است در حالی که رقیبان و هم‌اوردهای هم‌طرزی دارد (McGrath, 365) و به اعتقاد هیک هر کسی که در جهان اندیشه‌های انجیلی محافظه‌کارانه^۱ متولد شده باشد یا پس از این متولد شود و هر کسی که ذهن پرسش‌گری داشته باشد، می‌یابد که او با نظام‌های عقیدتی متعارض متعددی روبه‌روست که عقاید مسیحیت یکی از آن‌ها و اولین و در دسترس‌ترین آن‌ها برای اوست و می‌فهمد که باید با ملاحظات عقلی یا اخلاقی به اصلاح یا نفی برخی از عناصر آن بپردازد (Hick, 1982, 16).

۳- ناسازگاری انحصارگرایی با نتایج مطالعات تطبیقی ادیان

این ادعا با رویکرد نوین به مطالعات تطبیقی ادیان و همکاری و گفتگوی بین‌الادیان هماهنگ نیست و دعوی انحصارگرایی مسیحیت در عصر ما که مطالعات تطبیقی ادیان و گفتگوی بین‌الادیانی از ویژگی‌های آن است، عجیب می‌نماید. از این گذشته، انحصارگرایی مانع گفت‌وگو بین‌الادیان است که مسیحیت بدان خوش‌بین است.

۴- ابهام در تطبیق کلی بر جزئی

نکته مبهم این دیدگاه، تشخیص و تطبیق هدف کلی و عمومی رستگاری با رستگاری خاص در مسیح است. به سبب همین ابهام است که طرفداران این دیدگاه به گروه‌های متعددی تقسیم شده‌اند.

۵- ابهام در انتساب خرق عادت به مسیح

به نظر نیترو و رایبسون، نکته مهم این است که نشان دهیم که نیروی شفابخش در نام مسیح قرار دارد نه در نام پتروس و یوحنا. نیترو نتیجه می‌گیرد که این نیرو یکی از قوای نجات‌بخش است که نام مسیح واسطه آن است آن هم نه بر اساس انحصاری بودن آن نام (Knitter, 70) به‌علاوه، خرق عادت منحصب به مسیح نبوده و نیست.

۶- ناسازگاری کاستی‌های دین مسیحی با انحصارگرایی

انحصارگرایی مسیحی نمی‌تواند بگوید همه حقایق دینی در مسیحیت قرار دارد. شنک^۲ میان حقیقتی که ذاتاً به مسیح تعلق دارد (یعنی خداوندگاری) و نواقصی که در ذات خود دین از جمله مسیحیت وجود دارد، تفاوت قابل توجهی را مطرح می‌کند (Shenk, 137). فهم این

1. conservative-evangelical thought world

2. Calvin Shenk

تفاوت به نفی انحصارگرایی می‌انجامد.

۷- ناسازگاری کارکردهای تاریخی مسیحیت با انحصارگرایی

به گفته هیک انحصارگرایی با نفوذ غمبار تاریخی‌اش در تایید سده‌های ضد سامی،^۱ بهره‌کشی‌های استعماری آن به وسیله اروپای مسیحی از جهانی که آن را جهان سوم می‌نامیم و اجبار زنان به فرمان‌بری از نظام کاملاً مردسالارانه، نه تنها سبب تردید بسیاری از مسیحیان شده است بلکه به بسیاری از غیر مسیحیان همسایه ما نیز اعلان خطر کرده است و موانع نامبری ولی قدرتمند در جامعه بشری ایجاد کرده است (Hick, 1993, p. viii).

ولی بر فرض که این یکی از ناگواری‌های موجود باشد، دقیقاً نشان‌دهنده فهم کاریکاتوری^۲ از دیدگاه انحصارگرایانه است. دلیل عمده برای علایق چنین نویسندگانی در موضوعات خاص، مشاهده چهره کریه این بخش از مسیحیت است که در اختیار کسانی قرار داشته که خود را به لحاظ اخلاقی برتر از دیگران می‌دانستند. ولی آیا دیدگاه انحصارگرا ذاتاً غیراخلاقی یا زیان‌آور است؟

علاوه بر این، حق بودن یک دیدگاه به معنی حقانیت همه رفتارهای پیروان یا منسوبان به آن دیدگاه نیست. بسا دین حق باشد ولی پیروان آن بدان پایبند نباشند.

به گفته استتسان این امر در وضع و جعل رابطه ضروری میان دو چیز ریشه دارد: ۱- اعتقاد به حقانیت مسیحیت و نادرستی دیگر ادیان ۲- بدرفتاری و حرمت نهادن به غیر مسیحیان (Stetson, 118).

ولی هیچ ضرورتی ندارد که مخالفت با عقیده‌ای به بدرفتاری بیانجامد. اگر چه مسلماً تاریخ کلیسا از رفتارهای منفی پر است ولی این واقعیت که انحصارگرایی با این رخدادهاى ضمنی و فرعی پیوند خورده است مربوط به برآیند کلامی آن نیست بلکه بیشتر یک رخداد تاریخی اجتماعی است.

از این گذشته، رفتارهای منفی نتایج مستقیم آن دسته از تعالیم و اصول اخلاقی که مسیح تعالیم داده است، نیست. به تعبیر دیگر، نادانی و خطای پیروان معلم، یک پیام ناشایست را ضروری نمی‌سازد. از سویی دیگر، هنگامی که یک پیام دقیقاً در مقابل رفتار پیروان قرار می‌گیرد، همان‌گونه که تعالیم اخلاقی محبت‌آمیز مسیح با وحشی‌گری ناسازگار است، گناه به

1. anti-semitism

2. cartoonish understanding

گردن خطاکاران است و ارتباطی به نتیجه پیام ندارد.

به هر حال، دعاوی صدق در باره بی‌همتایی دینی سبب همیشگی خشونت نیست. بنابراین، خشونت نمی‌تواند دلیلی بر نفی انحصارگرایی باشد. ولی با این گفته، فهم پست‌مدرن از صدق عمل‌گرایانه، در عین حال که کاملاً متقاعدکننده نیست، سودمند خواهد بود

۸- ناسازگاری انحصارگرایی با آفرینش الوهی جهان

آن‌گونه که انجیل مسیحی می‌گوید، خدا جهان را آفریده است، پس اصلاً برای ما نباید شگفت‌آور باشد که خدا شواهدی بر این رخداد و نشانه‌هایی از آن را در آفرینش باقی گذاشته باشد و در نتیجه راه شناخت و سپاس از وی منحصر به یکی باشد.

۹- تعارض درون دینی انحصارگرایی

مباحث درون دینی مسیحیت به لحاظ تاریخی در موارد متعددی با هم ناسازگار است. سرنوشت ابدی کودکانی که از دنیا می‌روند، نمونه‌ای از آن است.

به نظر برخی، آنان تا ابد از خدا جدا هستند. به نظر برخی دیگر، خدا برخی از آنان را برای آسمان انتخاب می‌کند و بقیه را برای همیشه در جهنم نگه می‌دارد. برخی دیگر هم معتقدند تنها کودکان متوفای مؤمنان اجازه ورود به آسمان را دارند یا این‌که رستگاری برای کودکان، به آیین غسل تعمید^۱ بستگی دارد و اعتقاد رایج‌تر در میان مسیحیان معاصر این است که کسانی که در دوره آغاز کودکی بمیرند یا در زمانی بمیرند که تنها استعداد ذهنی اوایل کودکی را دارند، به‌طور خود به خودی به حضور ابدی خدا وارد می‌شوند (Basinger, 28, 4).

۱۰- ناسازگاری انحصارگرایی با عدل الهی

سرنوشت انسان‌هایی که از شرایط رستگاری یک دین حق آگاه نشده‌اند، چالشی فراروی انحصارگرایی مسیحی است. آیا انحصارگرا می‌تواند بگوید بدین سبب که به معیارهای رستگاری که این دین بدان تصریح کرده است دست نیافته و با آن منطبق نگشته‌اند، آن‌ها نمی‌توانند تا ابد در حضور خدا زندگی کنند؟

به‌علاوه، اختیار انسان‌ها با مشکلات روانی از کودکی چنان آسیب دیده است که دیگر شایسته نیستند مسئول انتخاب‌های خود باشند و مسئولیت سرنوشت خود را بپذیرند (cf. Adams, 313-314; cf. 319). بر این اساس، به دوزخ فرستادن چنین انسان‌هایی با عدل الهی سازگار نیست.

ولی انکار آزادی انسان نسبت به تصمیم‌گیری درباره سرنوشت خود، همراهی با مفتش بزرگ داستایوسکی^۱ است که عقیده دارد خدا باید به انسان‌ها قوت و جایگاه زمینی^۲ می‌داد نه قوت آسمانی، چون انسان‌ها نمی‌توانند وحشت چنین آزادی را تحمل کنند (cf. Dostoyevsky, Book V, 233-240).

۱۱- شباهت تربیت اخلاقی ادیان به همدیگر

اخلاق مسیحیت اساساً همانند اخلاق مردمانی است که به ادیان دیگر تعلق دارند. اگر مسیحیت حقیقت بی‌همتا بود، باید به لحاظ اخلاقی از دیگر ادیان برتر بود و حال آن‌که چنین نیست (cf. Kholm, 39-42). همانندی پیروان ادیان مختلف در پرهیزگاری و اخلاق نشان می‌دهد که ادیان بزرگ همانندی‌های بسیاری با هم دارند و در اصل همه یک چیز می‌گویند.

۱۲- ناسازگاری نشانه‌های حضور خدا با انحصارگرایی

این دیدگاه دلایل وجود لطف و رحمت خدا بیرون از کلیسای مسیحی را انکار می‌کند در حالی که نتایج معنوی زندگی زنان و مردان بسیاری که پیرو دینی غیر از مسیحیت بوده‌اند را نمی‌توان انکار کرد.

نشانه‌های حضور خدا را در فرهنگ‌های دیگر و بیرون از مسیحیت سستی نیز می‌توان یافت. آن‌گاه که انجیل به زبان‌های مردمان غیر مسیحی ترجمه شد، مترجمان واژه‌های فرهنگ خود را برای خدا قرار دادند و این نشان می‌دهد آنان پیش از مسیحیت نیز با چنین مفاهیم و معانی سروکار داشته‌اند.

۱۳- ناسازگاری انحصارگرایی با محبت‌های انجیل

به گفته هیک، انحصارگرایی مسیحی با تصور ما از خدا به عنوان پدر آسمانی که به همه فرزندان‌ش عشق می‌ورزد و ما آن را از طریق مسیح به دست آورده‌ایم، ناسازگار است. خدای خیرخواه و محبتی که انجیل به ما معرفی کرده است، ممکن نیست راه سعادت و نجات را به کسانی منحصر کرده باشد که به‌طور اتفاقی در دوره‌های خاصی از تاریخ در کشورهای معینی متولد شده باشند؟ (Hick, 27) نابدباری دینی^۳ اغلب نتیجه نادانی است و اگر به غنای سنت‌های ادیان بزرگ توجه کنیم به نادرستی انحصارگرایی خواهیم رسید.

-
1. Dostoyevsky's Grand Inquisitor
 2. earthly bread and circuses
 3. religious intolerance

بر اساس عهد جدید، خواست و اراده خدا این است که همه انسان‌ها نجات یابند و به حقیقت معرفت یابند (cf. 2 Pet. 3.9; I Tim. 2.4). بنابراین او با رحمت ازلی^۱ خود همه را به سوی خود فراخوانده است. آیا چنین خدایی انسان‌ها را به دوزخ خواهد برد؟ ولی هر کسی که با اختیار و اراده خود حقیقت را رد کند، سرنوشت خود را قطعی خواهد کرد. او محکوم شده خود^۲ است، بنابراین، خدا هیچ کس را به دوزخ نبرده است بلکه این مردم هستند که با پای خویش به سوی دوزخ در حرکتند.

با این حال، به گفته آدامز^۳ گرفتار شدن به لعنت ابدی، چنان وحشت تصورناپذیری دارد که ممکن نیست انسان‌ها نتایج انتخابشان له یا علیه خدا را به طور کامل بدانند و باز هم همان‌گونه تصمیم بگیرند (cf. Adams, 308-311).

۱۴- ناسازگاری انحصارگرایی با اخلاق خدای انجیل

انحصارگرایی مسیحی بدین سبب قابل دفاع نیست که ویژگی‌های اخلاقی خدا را نیز نقض می‌کند. شگفت‌آور است که خدای مهربان اکثریت مردم را صرفاً به این دلیل که به طور تصادفی در زمان یا مکانی متولد شده‌اند که دین باطل وجود داشته است، محکوم ابدی جهنم کند.

این گمان که مردمان بی‌ریا و صمیمی با نیت‌های درست تنها به این دلیل محکوم به دوزخ شده‌اند که با ادیان متفاوتی روبه‌رو شده و آن را پذیرفته‌اند، متکبرانه است. پذیرش نجات و سعادت همه انسان‌ها از طریق سنت‌های دینی متفاوت، تنها مورد موافق با اخلاق است.

اشکال پست مدرن بر صدق عینی مسیحیت این است که دست نیافتن انبوهی از انسان‌ها به سعادت و نجات، صرفاً به خاطر رخدادهای تاریخی و جغرافیایی، بدون آن‌که اغلب آن‌ها تقصیری داشته باشند به لحاظ اخلاقی خردپذیر نیست. بر این اساس باید این‌گونه تعبیر را اسطوره^۴ یا استعاره^۵ دانست (Hick, ed., 1977. p.261; idem, 1993, p. 86).

-
1. prevenient grace
 2. self-condemned
 3. Marilyn Adams
 4. myth
 5. metaphor

البته نه آموزه‌های انجیل داوری خدا را مبتنی بر ولادت در زمان و مکان معینی می‌داند و نه بی‌ریایی و خلوص دینی معیاری برای حقیقت و صدق است.

۱۵- ناسازگاری انحصارگرایی با رحمت خدا

آموزه داوری^۱ آن‌گونه که انحصارگرایی مسیحی مطرح کرده است، رنج‌آور است و این تصور از مسیح که «راه تنگ و محدود راهی است که به سعادت می‌انجامد» قابل پذیرش نیست (Harold, 1991, p. 192)، زیرا با رحمت خدا ناسازگار است.

بررسی سه نقد اخیر

تحلیل این مسئله نشان می‌دهد که مدلول نقدهای اخیر این است که خدا نمی‌تواند کسانی را محکوم کند که آزادانه رحمت خدا برای نجات را که از طریق طبیعت و وجدان و انجیل آشکار شده است، رد کرده‌اند. درحالی‌که قدرت و محبت خدا، آفرینش جهانی را که همه افراد اهل نجات باشند را تضمین نمی‌کند، زیرا ادعاهایی مانند این که «خدای توانای مطلق می‌تواند جهانی بیافریند که همه انسان‌ها انجیل را بشنوند و با اختیار خود نجات یابند» و نیز «خدایی که همه انسان‌ها را دوست دارد، جهانی را که همه انسان‌ها انجیل را شنیده باشند و با اختیار نجات یافته باشند، ترجیح می‌دهد» صادق نیستند، زیرا اگر انسان‌ها اختیار داشته باشند، تضمینی وجود ندارد که با انتخاب خود نجات یابند؛ و نجات آن‌ها از روی جبر، با اختیار ناسازگار است و منطقاً محال است که کسی را با زور وادار به انتخاب نمود چون این دو با هم سازگار نیستند. پس گزاره نخست صدق منطقی ندارد.

گزاره دوم نیز درست نیست، زیرا فرض کنیم جهان‌های ممکن وجود دارند که همه در آن جهان‌ها انجیل را شنیده باشند و با اختیار خود نجات یافته باشند. آیا همه خواه^۲ بودن خدا سبب شده است تا انتخاب نمایند که یکی از این جهان‌ها جهان واقعی باشد؟ چنین ضرورتی وجود ندارد، زیرا ممکن است چنین جهان‌هایی از برخی جنبه‌های دیگر، کاستی‌های دیگری داشته باشند

علاوه بر این، ممکن است خدا جهانی را آفریده باشد که میان افرادی که نجات می‌یابند و کسانی که گمراه می‌شوند، تعادل برقرار باشد و خدا چنان با مشیت خود جهان را نظم داده باشد که آنان که نتوانستند بشارت خدا را بشنوند و از این طریق نجات یابند، به‌گونه‌ای باشند

1. doctrine of judgment
2. all-loving

که حتی اگر پیام وی را شنیده بودند نیز آن را نمی‌پذیرفتند (cf. Phillips, and Ockholm, 75-). (97)

۱۶- لغو بودن انحصارگرایی

برخی از انسان‌ها حتی اگر انجیل را بشنوند، باز هم ایمان نمی‌آورند و انجیل برای کسانی آمده که بدان ایمان نیاورده‌اند نه برای کسانی که اگر پیام آن را می‌شنیدند، بدان ایمان می‌آوردند (cf. Hasker, 380-389; Lane Craig, William, 10, 1993, 261-265). و این به لغو بودن پیام انجیل خواهد بود. این اشکال از جنبه دیگری هم مطرح است و آن ناسازگاری انحصارگرایی با علم خدا است. خدای دانای مطلق از ازل شرایطی را که انسان‌ها با اختیار خود برای نجات به مسیح ایمان می‌آوردند و شرایطی را تحت آن ایمان نمی‌آوردند، می‌دانست. در این صورت چرا خدا انجیل را برای کسانی که می‌دانست اگر آن را بشنوند و دریابند، بدان ایمان می‌آورند، فرو نفرستاد؟

۱۷- اعتباری بودن حق و صدق

به گفته بسیاری از پسامدرن‌ها و در واقع یکی از ویژگی‌های بنیادین فلسفه پست مدرن این است که صدق عینی، چیزی خارج از ذهن نیست تا بتوان آن را کشف کرد. در واقع به دلیل محدودیت‌های فرهنگی زبان، محال است بتوان آن را کشف نمود. زبان در بهترین وضعیت، بیان‌گر ساختار واقعیت فرد است و در بدترین وضعیت، امری است که دست‌کاری شده است (Phillips, and Olkhom, 13).

به گفته مک‌گرات، چگونه می‌توان ادعای صدق مسیحیت را پذیرفت در حالی که خود صدق یا حقیقت، مفهومی تنزل یافته است. کسی نمی‌تواند به حقیقت دست یابد، زیرا پرسش درباره حقیقت، پرسشی مربوط به چشم‌انداز است. بر این اساس، کسی نمی‌تواند ادعا کند که حق و صدق منحصر اوست، زیرا همه دعاوی مربوط به حقیقت به یک اندازه صادق است (cf. McGrath, 365).

فیلسوفانی هم هستند که صدق را در موقعیت‌های مختلف، متفاوت می‌دانند و گفته‌های منطقی «صادق» یا قوانین فرا طبیعی «صادق» و نیز گفته‌های «صادق» مربوط به پیش‌بینی وضع هوا یا اعترافات «صادق» مظنون به گناه، را کاربرد متفاوت یک واژه مبهم می‌دانند (cf. Quine, section 27).

نتیجه

از بررسی دلایل و نقدهای انحصارگرایی مسیحی می‌توان به دعاوی جدیدی دست یافت که برخی از آنها از قرار زیر است:

۱- اولاً دست‌کم برخی از نقدهای انحصارگرایی مسیحی، قابل پذیرش است و ثانیاً پذیرش آن‌ها دست‌کم، ادعای انحصارگرایی مسیحی را نفی می‌کند.

۲- درستی برخی از نقدهای انحصارگرایی مسیحی به معنی درستی و پذیرش کثرت‌گرایی یا شمول‌گرایی نیست.

۳- ضرورتی ندارد که انحصارگرایی صدق و نجات را با هم درآمیזیم تا این همه دلایل بر نفی و اثبات یک ادعا با هم تعارض داشته باشند. کاری که انحصارگرایان مسیحی انجام داده‌اند.

۴- آنچه که بر اساس دعاوی منطق ارسطویی ناگزیر از پذیرش آن هستیم، انحصارگرایی صدق است نه نجات. تناقض میان اثبات و نفی، دست‌کم نشان می‌دهد که دعاوی متناقض ادیان، همه صادق نیستند. پس کثرت‌گرایی و شمول‌گرایی که از مصادیق این دعاوی متناقض هستند، صادق نمی‌باشند. البته بر اساس آموزه‌های منطق چند یا بی‌نهایت ارزشی، انحصارگرایی صدق نیز گریزناپذیر نخواهد بود.

۵- از آن‌جا که نجات به علم و جهل، تصور و تقصیر، توانایی و ناتوانی، و بسیاری دیگر از زمینه‌ها و اصول که مهم‌ترین آن‌ها عدل و فضل خدای متعال است، پیوند عمیق دارد، انحصارگرایی مسیحی در حوزه نجات ادعایی بدون پشتوانه است که نه تنها فاقد برهان است بلکه دلیل قابل اعتنایی نیز ندارد.

منابع

Adams, Marilyn McCord, "The Problem of Hell: A Problem of Evil for Christians," in *Reasoned Faith*, ed. Eleonore Stump (Ithaca, N.Y. Cornell University Press, 1993).

Alston, W., "Religious Diversity and the Perceptual Knowledge of God," *Faith and Philosophy*, 1988.

Basinger, D., "Divine Omniscience and the Soteriological Problem of Evil: Is the Type of Knowledge God Possesses Relevant?" *Religious Studies*, 1991, 28.

Dostoyevsky, Fyodor. *The Brothers Karamazov*, trans. Constance Garnett, ed. with a Foreword by Manuel Komroff, Signet Classics (New York: New American Library, 1957).

Geivett and Phillips' Evidential Particularist View

Gutting, G., *Religious Belief and Religious Skepticism*, Notre Dame: University of Notre Dame Press, 1982.

Hasker, William. "Middle Knowledge and the Damnation of the Heathen: a Response to Craig, William. *Faith and Philosophy* 8, 1991.

Hick, John. *Disputed Questions in Theology and the Philosophy of Religion* (New Haven, Conn: Yale University Press, 1993).

Hick, John. ed., *The Myth of God Incarnate*, London: SCM, 1977.

Hick, John. *God Has Many Names*, Philadelphia: The Westminster Press, 1982.

_____, "Providence, Freedom, and Human Destiny," *Religious Studies* 26, 1990.

_____, *The Metaphor of God Incarnate*, London: SCM, 1993.

Hunt, David P., "Middle Knowledge and the Soteriological Problem of Evil," *Religious Studies* 27, 1991.

Knitter, *Jesus and the Other Names: Christian Mission and Global Responsibility*, marycnol, N.Y, orbis books, 1996.

Lane Craig, William "Should Peter Go to the Mission Field?" *Faith and Philosophy* 10, 1993.

Lane Craig, William. "Talbot's Universalism Once More," *Religious Studies* 29, 1993.

Lane Craig, William. "Talbot's Universalism," *Religious Studies* 27, 1991.

McGrath, Alister E. *Intellectuals Don't Need God & Other Modern Myths* (Grand Rapids: Zondervan Publishing House, 1993).

McGrath, Alister, Challenge of Pluralism for the contemporary cristian church, the jurnal of the evangelical theological society, 35, 1992.

Nash, Ronald, development of this similar logical pattern in *Is Jesus the Only Savior?* (Grand Rapids: Zondervan, 1994).

Netland, Harold, *Dissonant Voices* (Grand Rapids: Eerdmans, 1991).

McKim, R., *Religious Ambiguity and Religious Diversity*, Oxford: Oxford Press, 2001.

- Netland, Harold. *Dissonant Voices* (Grand Rapids: Eerdmans, 1991).
- Okholm, Dennis L. and Timothy R. Phillips, eds. Grand Rapids: Zondervan, 1996.
- Panikkar, Raimundo, *The Intrareligious Dialogue* (New York: Paulist Press, 1978).
- Peterson, M., Hasker, W., Reichenbach, B., and Basinger, D., *Reason and Religious Belief: An Introduction to the Philosophy of Religion* (3rd edition), New York: Oxford University Press, 2003.
- Phillips, T. P. and Ockholm, D., Ed., Politically Incorrect Salvation." In *Christian Apologetics in the Post-Modern World*, Inter-Varsity, 1995.
- Quine, W. V., *Word & Object*, Cambridge, Mass: MIT Press, 1960.
- Quinn, P., "Toward Thinner Theologies: Hick and Alston on Religious Diversity," in *The Philosophical Challenge of Religious Diversity*, K. Meeker and P.Quinn, eds., New York: Oxford University Press, 2000.
- Runzo, *World Views and Perceiving God*, New York: St. Martin's Press, 1993.
- Samples, Kenneth R. "The Challenge of Religious Pluralism," *Christian Research Journal*, Summer 1990.
- Schaeffer, Francis, *Death in the City*, in *The Complete Works of Francis Schaeffer: A Christian Worldview*, 2d ed.; vol. 4: *A Christian View of the Church*, Westchester, Ill.: Crossways, 1982.
- Schellenberg, J., "Religious Experience and Religious Diversity: A Reply to Alston," in *The Philosophical Challenge of Religious Diversity*, K. Meeker and P.Quinn (eds.), New York: Oxford University Press, 2000.
- Shenk, Calvin E., *Who Do You Say That I Am?* Scottdale, PA: Herald Press, 1997.
- Smith, Wilfred Cantwell. *The Faith of Other Men*, New York: Mentor, 1965.
- Stetson, Brad. *Pluralism and Particularity in Religious Belief*. London: Praeger, 1994.
- Talbott, Thomas, "Craig on the Possibility of Eternal Damnation," *Religious Studies* 28, 1992.
- Talbott, Thomas, "The Doctrine of Everlasting Punishment," *Faith and Philosophy* 7, 1990.
- Timothy R. Phillips and Dennis L. Olkhom "Introduction," *Christian Apologetics in a Postmodern World* (Downers Grove, IL: InterVarsity, 1995).